

تحلیلی بر قدرت ملی کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا با تأکید بر ایران در افق ۱۴۰۴

حسین عرب*

چکیده

خاورمیانه مهد تمدن‌های کهن بشری و خاستگاه ادیان بزرگ الهی است که نقشه‌های مناطق استراتژیک، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک جهان به صورت استثنائی در آن بر هم منطبق گردیده است. از این رو ثبات جهانی در همه ابعاد با امنیت منطقه گره خورده است. از سوی دیگر، بین امنیت و قدرت ملی کشورها همبستگی مثبت وجود دارد. بدین لحاظ مطالعه قدرت ملی کشورهای خاورمیانه در امنیت منطقه و جهان مؤثر است. قدرت ملی کشورها که نشان‌دهنده وزن ژئوپلیتیکی آنهاست، به واسطه ماهیت دوگانه نرم و سخت، به راحتی قابل اندازه‌گیری نیست، اما سنجش نسبی آن در اتخاذ صحیح استراتژی ژئوپلیتیک کشورها مؤثر است. در این تحقیق چهار مؤلفه از عوامل نه‌گانه قدرت، یعنی عوامل سرزمینی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، با ۳۷ شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت تا به سؤال چگونگی قدرت ملی در کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا و همچنین لوازم قدرت اول منطقه شدن ایران در افق ۱۴۰۴ پاسخ داده شود. حاصل بررسی نشان می‌دهد: ۱. کشورهای ایران، ترکیه، عربستان و مصر این استعداد را دارند که به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای و بعضی حتی به عنوان قدرت‌های درجه دوم جهانی نقش‌آفرینی کنند. ۲. حیات مستقل سیاسی بعضی از کشورهای نفتی منطقه که جزو ثروتمندترین کشورهای جهان نیز محسوب می‌شوند، با پایان منابع انرژی دچار چالش جدی خواهد شد و دوام آن منوط به اتحاد و ائتلاف در قالب یک فدراسیون یا قدرت‌های منطقه‌ای است. ۳. ایران با بالاترین استعداد سرزمینی در منطقه و با اعمال مدیریت صحیح و استفاده از منابع انسانی و طبیعی و اتخاذ دیپلماسی مناسب می‌تواند به قدرت اول منطقه تبدیل شود.

واژگان کلیدی

خاورمیانه، قدرت ملی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت، شمال افریقا، ایران

*دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و سرتیپ دوم بازنشسته اجا Email:hosain.arab@yahoo.com

فصلنامه راهبرد/سال بیست و سوم/شماره ۷۰/ بهار ۱۳۹۳/ صص ۲۹۳-۳۲۷

جستارگشایی

تلاقی دو قاره اوراسیا و آفریقا در امتداد محور مدیترانه و بحر احمر عامل پیدایش یکی از بزرگ‌ترین برخوردهای انسان و طبیعت در جهان شده است. این واقعیت که خاورمیانه در مجاورت اقیانوس‌های اطلس و هند قرار گرفته و پنج دریای مدیترانه، احمر، خزر، سیاه و خلیج فارس در آن رخنه کرده‌اند، در طول تاریخ نقش مهمی در تسهیل ارتباطات جهانی داشته است. استعمال مکرر اصطلاحاتی مانند گلوگاه جهانی، چهارراه اوراسیا، منطقه رویارویی حساس، هلال بحران در ادبیات بین‌المللی جهان برای توصیف منطقه، مؤید اهمیت جهانی آن است. قدرت‌های جهانی در تعریف علایق استراتژیک خود آن را در شمار مناطق حساس و حیاتی قلمداد می‌کنند.

در جهان امروز، مناسبات تجاری بین اروپا، آفریقا و آسیا به شدت وابسته به ارتباطات دریایی و هوایی می‌باشد و خاورمیانه یک منطقه قطعی تماس بین اوراسیا و جهان دریایی است. نفت نیز در تغییر شکل نقشه سیاسی و استراتژیک منطقه مؤثر بوده است. نیکسون رئیس‌جمهور اسبق آمریکا می‌گوید خاورمیانه از دیرباز چهارراه آسیا، آفریقا و اروپا بوده و اکنون نفت آن خون صنعت مدرن است (نیکسون، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶). از دیدگاه نیکسون، نفت خاورمیانه از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون برای اروپا و ژاپن جنبه حیاتی داشته است.

این واقعیت به جای خود باقی است که علی‌رغم پایان جنگ سرد، منطقه خاورمیانه به‌عنوان منطقه حاشیه اوراسیا در برخورد میان قدرت‌های جهانی هنوز به صورت یک منطقه کلیدی استراتژیک دیده می‌شود و این کاملاً جدا از نگرانی‌هایی است که بر سر دسترسی به میدان‌های نفتی آن در استراتژی انرژی وجود دارد. استراتژیست‌ها خاورمیانه را قلب جهان می‌نامند که ثبات و امنیت و یا بی‌ثباتی و عدم امنیت در این منطقه، جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی تخمین فرصت‌ها و تهدیدهای آتی ممالک خاورمیانه به بحث جدی و جدید تبدیل شده است، زیرا شرایط جدید، کارگزاران متفاوتی دارد و این تغییر مهم، توزیع کنونی قدرت و ثروت را متحول خواهد کرد. در دنیای کنونی هر روز بیش از پیش پی برده می‌شود که افزایش میزان

امنیت یک کشور به افزایش میزان امنیت دیگر کشورها بستگی دارد. با تحولی که در مفهوم قدرت ملی و منافع ملی پدید آمده است، هر روز افق جغرافیایی کشورها بازتر می‌شود. دامنه امنیت یک کشور با قدرت آن کشور ارتباط مستقیم دارد و قدرت کشورها نیز متفاوت است. میزان قدرت که ناشی از موقعیت جغرافیایی، جمعیت، وضعیت اقتصادی، نوع حکومت، ماهیت دولت، منش ملی، سوابق تاریخی و ایدئولوژیک و غیره می‌باشد، در سمت‌گیری مقاصد امنیتی یک کشور تأثیر می‌گذارد، تا آنجا که گاهی اصطلاحات امنیت و قدرت ملی مترادف هم به کار می‌روند.

از آنجا که چگونگی توزیع و طرازبندی قدرت نه تنها سمت‌گیری سیاست خارجی کشورها، بلکه نقش و رسالت مورد ادعای آنها را نیز مشخص می‌کند، هدف از انجام این تحقیق ارزیابی قدرت کشورها در منطقه مهم خاورمیانه است.

منابع قدرت ملی متعدد و متنوع است و حتی اهمیت عناصر آن نیز در طول زمان ثابت نمی‌ماند. از طرفی به خوبی روشن است که نمی‌توان با جمع عددی یک سلسله عوامل و منابع، میزان قدرت ملی یک کشور را محاسبه کرد. برخی از عوامل سازنده ساختار قدرت ملی، مادی و پاره‌ای نیز معنوی هستند. بعضی را هم صرفاً باید ماده خام قدرت به حساب آورد، مانند جغرافیا، جمعیت و اقتصاد. برخی عناصر چون اراده ملی، روحیه ملی، اعتبار رهبران سیاسی و کفایت سیاست خارجی را نمی‌توان به‌طور دقیق محاسبه و اندازه‌گیری کرد. به این ترتیب ما هنوز فاقد امکان اندازه‌گیری میزان قدرت یک کشور بر مبنای اصول کاملاً معتبر علمی هستیم.

از طرف دیگر همان‌گونه که هینبوش می‌گوید: برنامه‌ریزان دیپلماسی برای طرازبندی سیاست خارجی کشور و استراتژی امنیتی خود، باید تصویری هرچند کلی از قدرت کشور خود و کشورهای دیگر اعم از متحدان یا رقیب داشته باشند (هینبوش، ۱۳۸۶، ص ۵۶)، زیرا اهداف سیاست خارجی نباید بیرون از امکانات قدرت موجود کشور باشد و اگرچه آرزوهای کشور نامحدود است، اما منابع تأمین این آرزوها سخت محدود است.

پایان جنگ سرد به صورت‌بندی نوینی از روابط قدرت جهانی منتهی شده و ماهیت نظام بین‌الملل جدید تأثیر شگرفی بر خاورمیانه گذاشته است، که تحولات کنونی منطقه تحت عنوان

بهار عربی را توجیه می‌کند. ایالات متحده همچنان در خاورمیانه منافع حیاتی خواهد داشت. کنترل و تسلط روسیه بر حوزه و قلمروی دریای خزر تضمین‌کننده کنترل مسکو به سیستم‌های مهم توزیع گاز و نفت از منطقه به دنیای خارج بوده و امتیاز بزرگی را در مورد این ذخایر در اختیار روسیه قرار خواهد داد. نیاز روزافزون چین به انرژی با افزایش عرضه نفت از خلیج فارس و خاورمیانه تأمین می‌شود.

به لحاظ تاریخی بیشتر نیازهای نفتی اتحادیه اروپا نیز از طریق خاورمیانه تأمین شده است. اگرچه مصرف نفت و سهم وارداتی آنها کاهش یافته است، اما نیازهای نفتی اروپا همچنان قابل توجه باقی مانده و بیش از ۲۵ درصد کل تولیدات نفت خاورمیانه به قاره اروپا صادر می‌شود. بیش از ۷۰ درصد منابع نفت شناخته‌شده جهان و بیش از ۴۰ درصد گاز طبیعی جهان در محدوده خاورمیانه واقع شده و این یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های ژئواستراتژیک این منطقه از جهان است. بر اساس برآوردهای فعلی، تقاضای اروپا و آمریکا برای نفت منطقه به حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت، درعین حال مهم‌ترین ارقام برآوردشده برای آسیا، ۱۸ میلیون بشکه در روز می‌باشد که در کل، بسیار بیشتر از اروپا و آمریکاست. این آمارها اهمیت زیاد و تأثیر عمیقی بر ژئوپلیتیک منطقه داشته و خواهد داشت. آنچه گفته شد، مؤید مطالعه دقیق این منطقه از زوایای مختلف است که در این تحقیق از منظر قدرت ملی به آن پرداخته‌ایم.

۱. سؤال و روش تحقیق

سؤال تحقیق این است که چه عواملی باعث می‌شود کشوری قدرتمندتر از کشور دیگر محسوب شود؟ به بیان دیگر، قدرت ملی چیست و از چه عناصری تشکیل می‌شود؟ و کشورهای منطقه خاورمیانه به چه میزان از این عناصر بهره‌مند هستند؟ روش تحقیق، روش تحلیلی-توصیفی است که با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی و دیگر منابع، جمع‌آوری اطلاعات انجام شده است.

نظریه‌های میسوطی در خصوص عناصر قدرت ارائه شده است. در این تحقیق الگوی پیشنهادی حافظ‌نیا و همکاران است که با مطالعه جامع نظرات جغرافی‌دانان سیاسی، دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و رشته‌های مرتبط با موضوع، مدل نظری ۹ مؤلفه‌ای را ارائه

داده‌اند که به نظر می‌رسد به نوعی نظرات همه اندیشمندان در آن لحاظ گردیده است. به لحاظ تعدد و تنوع متغیرها، توجه به ابعاد مختلف قدرت ملی، تأکید بر کارکرد منفی و مثبت متغیرها و تأکید بر ابعاد جدید قدرت، مانند بعد فضایی قدرت به عنوان مدل مناسب، مبنای کار سنجش قدرت ملی کشورهای خاورمیانه قرار گرفته است.

در این مدل، ۹ مؤلفه مورد نظر که هر یک با چندین شاخص اندازه‌گیری می‌شوند، عبارت‌اند از: ۱. عوامل اقتصادی، ۲. عوامل جغرافیایی طبیعی یا سرزمینی، ۳. عوامل سیاسی، ۴. عوامل علمی و تکنولوژیک، ۵. عوامل اجتماعی، ۶. عوامل فرهنگی، ۷. عوامل نظامی، ۸. عوامل فرامرزی و ۹. عوامل و سرچشمه‌های فضایی قدرت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶، صص ۱۶۰-۱۵۸).

این مؤلفه‌ها با حدود ۱۵۰ متغیر مختلف، اندازه‌گیری می‌شوند. در این تحقیق فقط ۴ مؤلفه شامل: ۱. عوامل اقتصادی، ۲. عوامل جغرافیایی طبیعی یا سرزمینی، ۳. عوامل اجتماعی و ۴. عوامل فرهنگی به شرح شاخص‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

به هر یک از شاخص‌ها متناسب با اهمیت نسبی آن در قدرت ملی مبتنی بر نظر محقق، امتیازی داده شده است. بدیهی است این روش امتیازدهی به‌عنوان یک قیاس منطقه‌ای که قدرت نسبی کشورهای منطقه را نشان می‌دهد، قابل اعتناست؛ اما هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که نشان دهد آیا ارزش هر ۱۰ میلیون نفر جمعیت و امتیاز واگذار شده، برابر است با مثلاً یک‌دهم واحد از شاخص توسعه انسانی و امتیاز واگذار شده به آن.

نگاره الف - مؤلفه اقتصادی و متغیرهای انتخابی

ش.ب.ع	شاخص (متغیر)	روش امتیازدهی
۱	درآمد ملی (میلیارد دلار)	هر ۱۰ میلیارد دلار یک امتیاز
۲	سرنانه درآمد ملی (دلار)	هر ۱۰۰۰ دلار یک امتیاز
۳	درصد رشد سالانه تولید ناخالص	هر درصد رشد یک امتیاز
۴	درصد سهم صادرات صنعتی از کل صادرات	هر درصد یک امتیاز
۵	درصد سهم واردات مواد غذایی از کل واردات	هر درصد یک امتیاز منفی
۶	ترکیب نیروی کار (در بخش‌های اقتصادی)	هر ۱۰ درصد نیروی فعال در بخش‌های صنعت و خدمات یک امتیاز مثبت و کشاورزی یک امتیاز منفی
۷	نرخ بیکاری درصد	هر درصد یک امتیاز منفی
۸	تعداد بندر و فرودگاه‌ها	هر ۱۰ مورد یک امتیاز
۹	ذخیره پول و شبه پول کشور میلیارد دلار	هر ۱۰ میلیارد دلار یک امتیاز

نگاره ب - مؤلفه سرزمینی و متغیرهای انتخابی

ش.ب.ع	شاخص (متغیر)	روش امتیازدهی
۱	وسعت به کیلومتر مربع	هر ۱۰۰ هزار کیلومتر مربع یک امتیاز
۲	طول ساحل به دریای آزاد کیلومتر	هر ۱۰۰۰ کیلومتر یک امتیاز
۳	تراکم (نفر در کیلومتر مربع)	هر ۱۰۰ نفر یک امتیاز
۴	تراکم زیستی (نفر در کیلومتر مربع مساحت قابل استفاده کشاورزی)	هر ۱۰۰۰ نفر یک امتیاز
۵	جاده کیلومتر	هر ۱۰۰ هزار کیلومتر یک امتیاز
۶	راه آهن کیلومتر	هر ۱۰۰۰ کیلومتر یک امتیاز
۷	تولید برق (میلیارد کیلووات ساعت)	هر ۱۰۰ میلیارد یک امتیاز

هر ۱۰ واحد یک امتیاز	۸ منابع تجدیدشونده آب (Cukm/ye)
هر ۱۰ میلیارد بشکه نفت یک امتیاز هر ۱۰۰۰ میلیارد فوت گاز یک امتیاز	۹ ذخایر نفت و گاز میلیارد بشکه و فوت مکعب

نگاره ج - مؤلفه اجتماعی و متغیرهای انتخابی

شماره	شاخص (متغیر)	روش امتیازدهی
۱	جمعیت (نفر)	هر ۱۰ میلیون نفر یک امتیاز
۲	شاخص توسعه انسانی	هر ۱۰۰ هزارم شاخص یک امتیاز
۳	امید به زندگی (سال)	هر ۱۰ سال یک امتیاز
۴	درصد جمعیت فعال (۱۵ تا ۶۴ سال)	هر ۱۰ درصد یک امتیاز
۵	تعداد پزشک برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	هر ۱۰ نفر یک امتیاز
۶	میزان مرگ و میر کودکان در ۱۰۰۰ تولد	هر ۱۰ مورد یک امتیاز منفی
۷	گروه‌های قومی	هر گروه یک امتیاز منفی
۸	متوسط سن سال	هر ۱۰ سال یک امتیاز
۹	جمعیت زیر خط فقر (درصد)	هر ۱۰ درصد یک امتیاز منفی
۱۰	ضریب جینی	هر ۱۰ عدد یک امتیاز

نگاره د - مؤلفه فرهنگی و متغیرها انتخابی

شماره	شاخص (متغیر)	روش امتیازدهی
۱	نرخ سواد افراد بالای ۱۵ سال درصد	هر ۱۰ درصد یک امتیاز
۲	تعداد روزنامه برای ۱۰۰۰ نفر	هر ۱۰ مورد یک امتیاز
۳	تعداد مشترک اینترنت در ۱۰۰۰ نفر	هر ۱۰۰ مشترک یک امتیاز
۴	تعداد تلفن ثابت برای ۱۰۰۰ نفر	هر ۱۰۰ مورد یک امتیاز

۵	سرايه مصرف كاغذ (كيلوگرم)	هر كيلوگرم يك امتياز
۶	تعداد ايستگاه‌هاي راديو و تلويزيون	هر ۱۰ ايستگاه يك امتياز
۷	سهم هزينه آموزش از توليد ناخالص داخلي	هر درصد يك امتياز

۲. ادبيات و مبانی نظری تحقیق

خاورمیانه. اصطلاح خاورمیانه یا خاور نزدیک در چند دهه اخیر در ادبیات ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک جهان به کار گرفته شده و هرگز حدود جغرافیایی آن وضع مشخص و یکنواختی پیدا نکرده است. مجتهدزاده می‌گوید: تعیین مناطق به معنی مصطلح فعلی در ادبیات جغرافیایی جهان، محصول استعمار انگلیس است که خود را مرکز جهان و شرق و غرب را بر آن مبنا تعیین کرده بود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲).

اصطلاح خاورمیانه را نخستین بار آلفرد ماهان، استراتژیست امریکایی در اشاره به منطقه‌ای میان عربستان و هند یعنی خلیج فارس مورد استفاده قرار داد که مناسبت ویژه‌ای با استراتژی دریایی وی داشت. در جنگ جهانی اول، فرماندهی نیروهای بریتانیا در منطقه با عنوان فرماندهی خاورمیانه منصوب و در مصر مستقر گردید. از آن به بعد این واژه کاربرد گسترده یافت. درایسدل آن را این‌گونه معرفی می‌کند: بخش وسیعی از شمال و شرق آفریقا، ایران، ترکیه و کلیه کشورهای عربی شرق کانال سوئز را شامل می‌شود (درایسدل، ۱۳۷۴، ص ۲۰).

دقیق‌ترین راه برای توصیف منطقه مورد مطالعه این پژوهش، همان منطقه خاورمیانه بزرگ مورد نظر جفری کمپ می‌باشد که شامل: شمال آفریقا، سودان و شاخ آفریقا، ترکیه و ماوراء قفقاز، آسیای مرکزی، غربی و جنوب آسیاست (کمپ، ۱۳۸۳، ص ۳۹). این منطقه ۲۷ کشور زیر به عنوان کشورهای خاورمیانه بزرگ را شامل می‌شود: مصر، لیبی، الجزایر، تونس، مراکش، سودان، اریتره، سومالی، ترکیه، سوریه، لبنان، فلسطین اشغالی، اردن، عراق، عربستان، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، یمن، عمان، آذربایجان، ارمنستان، ایران، ترکمنستان، افغانستان و پاکستان.

ژئوپلتیک خاورمیانه. خاورمیانه طبق تعریفی که در این مقاله از آن به عمل آمد، نه یک نظام سیاسی بسته است و نه از نظر فرهنگی حوزه نفوذ آن به این محدوده محدود می‌شود. به‌طور کلی این عنوان منطقه‌ای، صرفاً برای تعریف محدوده جغرافیایی مورد بررسی به‌کار گرفته شده و اگرچه اصطلاح خاورمیانه یک قرن است در ادبیات سیاسی جهان به‌کار می‌رود، اما این محدوده هرگز در قالب یک منطقه جغرافیایی از وحدت و انسجام لازم برای تعریف ناحیه، در منطق جغرافیایی ناحیه‌ای بهره‌مند نمی‌باشد و نمی‌توان آن را در قالب یک منطقه ژئوپلتیک واحد مورد بررسی قرار داد.

در این منطقه وسیع، کشورهایی با تمدن چند هزارساله در کنار واحدهای سیاسی که تاریخ آنها کمتر از یک قرن است، قرار گرفته‌اند. کشورهای وسیع با وسعت بیش از دو میلیون کیلومتر مربع در کنار همسایگانی با وسعت چند صد کیلومتر مربع قرار دارند. این بخش گسترده که آشکارا هماهنگی و تجانسی در پدیده‌های محیطی آن دیده نمی‌شود، نمی‌تواند به‌عنوان یک منطقه ژئوپلتیک واحد مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

آنچه خاورمیانه خوانده می‌شود، در حقیقت مجموعه‌ای است از چند منطقه جداگانه ژئوپلتیکی و متمایز مانند خلیج فارس، شرق مدیترانه، شمال آفریقا، خزر، قفقاز، آسیای میانه و... که هر یک به دلیل هماهنگی موجود در پدیده‌های محیطی خود یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق به‌شمار می‌آیند. در برخورد با چنین ناهماهنگی گسترده‌ای است که کوهن، خاورمیانه را یک منطقه در هم می‌خواند (مجتهدزاده، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

اس بی کوهن یک طرح از مناطق ژئواستراتژیک جهان ارائه داد که در آن خاورمیانه به همراه مصر، سودان و لیبی به‌عنوان کمر بند شکننده خاورمیانه معرفی شد. در نظریه وی کمر بند شکننده بدین صورت تعریف شد: یک منطقه وسیع با موقعیت استراتژیک اشغال شده توسط دولت‌های در حال کشمکش که بین منافع متضاد قدرت‌های بزرگ‌تر گیر کرده است (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان منطقه تغییرات وسیع و دائم نامید. نقشه سیاسی فعلی منطقه در زمینه تاریخ طولانی مدون آن بسیار جوان است. در صد سال پیش چه کسی

می‌توانست پیش‌بینی کند که چشم‌انداز سیاسی معاصر ممکن است به چه صورت باشد؟ یادآوری آنچه فقط طی ۵۰ سال گذشته اتفاق افتاده، تکان‌دهنده است: جنگ‌های مکرر اعراب و فلسطین اشغالی و تغییرات ارضی حاصل از آن، تهاجم فلسطین اشغالی به جنوب لبنان و اشغال این منطقه، پیمان صلح مصر و فلسطین اشغالی، افزایش انفجارگونه قیمت نفت و انقلاب اسلامی ایران، انقلاب لیبی، قتل‌های سیاسی سران بعضی از کشورها، حمله شوروی به افغانستان، ظهور بنیادگرایی اسلامی، جنگ ایران و عراق، جنگ‌های داخلی در یمن، سودان، عراق، اردن، لبنان و اخیراً سوریه، تهاجم ترکیه به قبرس، عقب‌نشینی فلسطین اشغالی در جنوب لبنان، جنگ عراق و کویت، جنگ ائتلاف ملل علیه عراق، جنگ در افغانستان اشغال عراق و افغانستان، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و فلسطین اشغالی، جنگ ۲۲ روزه در نوار غزه و ده‌ها واقعه دیگر.

آنچه مسلم است جداسازی سرزمین‌های خاورمیانه و شمال آفریقا عملاً تمام‌شده و کامل است. با وجود مشکلات جدی یکپارچه‌سازی ملی در لبنان، عراق و سایر مناطق تصور نمی‌شود که دولت‌های مستقل جدیدی که محصول تجزیه سرزمین باشد، به وجود آیند. تنها استثناء ممکن است تولد یک دولت مستقل فلسطینی در کرانه غربی باشد. البته این بدان معنی نیست که نقشه سیاسی تغییر نخواهد کرد. ممکن است دولت‌های جدیدی به وجود نیایند، اما احتمال تغییرات مرزی از مکانی به مکان دیگر از طریق اعمال زور یا موافقت دوجانبه وجود دارد.

تقسیم دریاها مراحل اولیه خود را می‌گذرانند، رقابت بر سر دستیابی به منابع آب شدت خواهد گرفت (فغانی، ۱۳۷۸، ص ۱۹). کشمکش بر سر منابعی که در دو سری مرزها ممتد هستند، ادامه خواهد داشت و همان‌گونه که کمپ می‌گوید در ۱۵ سال آینده جریان نفت و گاز طبیعی از خلیج فارس و دریای خزر عناصر کلیدی یک معادله جدید ژئوپلتیک خواهد بود که عواقب مهمی برای غرب، روسیه، آسیا و نیز کشورهای خاورمیانه بزرگ به دنبال خواهد داشت (کمپ، ۱۳۸۳، ص ۵۸).

در دوران جنگ سرد، خاورمیانه به سومین جبهه تقابل شرق و غرب تبدیل شد. براساس تز معروف مکیندر، حوزه داخلی اوراسیا منطقه محوری سیاست جهان است و با منابع فراوانی که دارد، دور از دسترس قدرت‌های دریایی نیز هست. این منطقه محوری توسط یک حاشیه هلالی

شکل محاصره که خاورمیانه در آن جای دارد و اگر کشوری که منطقه محور را در بر دارد، بتواند بر سرزمین‌های حاشیه مسلط شود و به این ترتیب به دریا راه یابد، قدرت جهانی خواهد بود (درایسدل، ۱۳۷۴، ص ۳۶).

یک صد سال پیش، بازی بزرگ بین روسیه و بریتانیا یک رقابت ژئوپلتیکی را در امتداد یک نوار سرزمینی که از بسفر، سرتاسر قفقاز تا دریای خزر، آسیای میانه و در کوه‌های هندوکش جریان داشت، ایجاد نمود. بی‌جهت نیست که با فروپاشی اتحاد شوروی و افزایش مناقشات میان جمهوری‌های تازه استقلال یافته قفقاز و آسیای مرکزی، اصطلاح بازی بزرگ بار دیگر در مباحث غربی‌ها در خصوص اهمیت استراتژیک منطقه ظهور یافته است، بازی بزرگ جدید میان کشورهای حوزه دریای خزر و قدرت‌های خارجی عمده، از جمله ایالات متحده امریکا در خصوص انرژی این منطقه در حال شکل‌گیری است.

اهمیت جهانی منطقه خاورمیانه را به خوبی از این گفته نیکسون می‌توان استنباط کرد: پاسخ به این مسئله که در خاورمیانه و خلیج فارس چه کسی، چه چیز را در اختیار دارد، بیش از هر زمان دیگری جوابگوی این سؤال است که در دنیا چه کسی بر چه چیز استیلا دارد (نیکسون، ۱۳۶۴، ص ۱۳۶).

علی‌رغم پایان جنگ سرد، ایالات متحده همچنان در خاورمیانه منافع حیاتی خواهد داشت. کنترل و تسلط روسیه بر حوزه و قلمروی دریای خزر تضمین‌کننده کنترل مسکو به سیستم‌های مهم توزیع گاز و نفت از منطقه به دنیای خارج بوده و امتیاز بزرگی را در مورد این ذخایر در اختیار روسیه قرار خواهد داد. نیاز روزافزون چین به انرژی از خلیج فارس و خاورمیانه تأمین می‌شود. به لحاظ تاریخی بیشتر نیازهای نفتی اتحادیه اروپا نیز از طریق خاورمیانه تأمین شده است. بیش از ۲۵ درصد کل تولیدات نفت خاورمیانه به قاره اروپا صادر شده است.

لذا مهم‌ترین ویژگی منطقه خاورمیانه وجود منابع عظیم نفت و گاز در این منطقه است. بیش از ۷۰ درصد منابع نفت شناخته‌شده جهان و بیش از ۴۰ درصد از گاز طبیعی جهان در محدوده خاورمیانه بزرگ واقع شده و این یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های ژئواستراتژیک این منطقه از جهان است. بر اساس برآوردهای فعلی، تقاضای اروپا و امریکا برای نفت منطقه به حدود ۱۲

میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت، در عین حال مهم‌ترین ارقام برآوردشده برای آسیا، ۱۸ میلیون بشکه در روز می‌باشد که در کل، بسیار بیشتر از اروپا و امریکاست. این آمار مهم تأثیر عمیقی بر ژئوپلیتیک منطقه داشته و خواهد داشت.

قدرت ملی. قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی برای افراد یک ملت را منعکس می‌کند. مجموعه انسان‌هایی که ملتی را تشکیل داده و در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند، دارای قدرتی می‌باشند که از برآیند قوای ترکیب‌شده آنها به‌دست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. چنین قدرتی حاصل ترکیب وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور می‌باشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملتها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. بحث از قدرت ملی به عنوان پدیده‌ای سنجش‌پذیر از قرن ۱۸ آغاز شد، اما در قرن ۱۹ نظریه‌های مربوط به سنجش‌پذیر بودن قدرت ملی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.

قدرت ملی دارای منشأ و مبادی گوناگونی است و دانش ژئوپلیتیک که به بررسی و سنجش قدرت ملی کشورها می‌پردازد، همه این عوامل را مورد توجه قرار می‌دهد. قدرت یک فرایند نسبی است، برای مثال عراق در برابر کویت دارای قدرت است، اما در برابر امریکا واجد قدرتی محسوب نمی‌شود. نظام ژئوپلیتیک منعکس‌کننده الگوی مناسبات قدرت بین ساخت‌های سیاسی، فضا، یعنی کشورها و دولت‌های مستقل می‌باشد و در این نظام روابط کشورها در سطوح محلی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی بر پایه وزن ژئوپلیتیکی تولیدکننده قدرت آنها و جایگاهشان در نظام سلسله‌مراتب قدرت تنظیم می‌شود.

حاصل همان‌گونه که حافظ‌نیا می‌گوید، روابطی به صورت سلطه‌گری، سلطه‌پذیری، استثمار، استعمار، بلوک‌بندی، وابستگی، توازن قوا، تعامل و همکاری یا رقابت می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۵۷).

میزان درخواستی که ممکن است دولتی از دولت دیگر داشته باشد، به میزان مناسبات، هم‌پیوندی یا درگیری آنها و نیز نسبت قدرت آنها به یکدیگر است. مارتین گلاسنر جغرافی‌دان

سیاسی عوامل قدرت ملی را شامل سرزمین، جمعیت، حکومت، اقتصاد، ارتباطات، قوه نظامی و روابط خارجی می‌داند (Glassner, 1993, p.119).

دیوید جابلنسکی عوامل قدرت ملی را بدین شرح بیان می‌کند: عوامل طبیعی شامل جغرافیا، جمعیت، منابع طبیعی و عوامل اجتماعی شامل اقتصاد، ارتش و قوه نظامی، عوامل سیاسی و عناصر روان‌شناختی می‌باشد (Joblonsky, 1997, p.59).
جلیل روشندل قدرت ملی را شامل عوامل جغرافیایی، عوامل انسانی، عوامل فرهنگی و عوامل ساختاری حکومت می‌داند (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۶۹).

مورگنتا موقعیت جغرافیایی، جمعیت، ظرفیت صنعتی، منابع طبیعی، روحیه ملی، خصوصیات ملی، آمادگی نظامی، کیفیت دیپلماسی را به عنوان عوامل اصلی قدرت ملی برمی‌شمارد (مورگنتا، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷).

تعریف ما از قدرت ملی در این تحقیق منطبق بر تعریف حافظ‌نیا می‌باشد. قدرت ملی عبارت است از مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمروی یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد، قدرت ملی عبارت است از توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف. منافع ملی و عوامل قدرت ملی نیز عبارت‌اند از: ۱. عوامل اقتصادی، ۲. عوامل جغرافیایی طبیعی یا سرزمینی، ۳. عوامل سیاسی، ۴. عوامل علمی و تکنولوژیک، ۵. عوامل اجتماعی، ۶. عوامل فرهنگی، ۷. عوامل نظامی، ۸. عوامل فرامرزی و ۹. عوامل و سرچشمه‌های فضایی قدرت.

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. بررسی قدرت کشورهای خاورمیانه در مؤلفه سرزمینی

یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت که بیشترین سهم را در تعیین وزن ژئوپلتیکی یک کشور دارد، مؤلفه سرزمینی است. سرزمین یک کشور که محدوده جغرافیایی و مرزهای حاکمیت حکومت را نشان می‌دهد، خود زیربنای دیگر مؤلفه‌های قدرت را تشکیل می‌دهد. وسعت یک کشور از شاخص‌های مهم قدرت محسوب می‌شود. اگرچه وسعت به تنهایی مبین قدرت نیست، می‌توان

گفت یک کشور وسیع به قدرت نزدیک‌تر است تا یک کشور کوچک. در عین حال وسعت زیاد که فاقد امکانات زیستی باشد و منابع قابل بهره‌برداری نداشته باشد، می‌تواند به عنوان یک عامل ضعف تلقی شود. بین وسعت و جمعیت نیز می‌بایست تناسب قابل قبولی وجود داشته باشد. کشور وسیعی چون کانادا که تناسبی بین وسعت و جمعیت ساکن در آن وجود ندارد و از تراکم نسبی پایین رنج می‌برد، فاقد یکی از عناصر اصلی قدرت است. به همان نحو که کشوری چون چین نیز که جمعیتی بیش از گنجایش وسعت خود دارد، از یک ضعف رنج می‌برد. مشکل چین را ممکن است تکنولوژی کمتر کند، ولی مشکل کانادا همچنان باقی خواهد بود. در هر حال این تناسب به این دو عنصر ظرفیت تولید قدرت می‌دهد. این تناسب با تراکم نسبی سنجیده می‌شود و مادامی که تراکم نسبی یک کشور نزدیک به تراکم نسبی جهانی است، نشانه مثبتی است و اگر اختلاف فاحش در هر جهت داشته باشد، نشانه منفی از این تناسب تلقی می‌شود و به همین منظور شاخص دقیق‌تر تراکم زیستی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نشان می‌دهد در یک کیلومترمربع از سرزمین قابل استفاده برای مصارف کشاورزی چند نفر زندگی می‌کنند. هر چه رقم این تراکم کمتر باشد به صورت بالقوه جمعیت ثروتمندتر خواهند بود و برعکس بنابراین در این شاخص عدد بالاتر از میانگین جهانی نشانه منفی تلقی می‌گردد.

یک سرزمین وسیع باید به وسیله شبکه جاده‌ها و راه‌آهن متناسب با وسعت به هم مربوط گردد، به نحوی که جمعیت بتواند به سهولت در پهنه کشور تردد نماید و تولیدات خود را نه تنها به بازار مصرف داخلی، بلکه خارج نیز صادر و مایحتاج ضروری را وارد نماید. صاحب‌نظران ارزش هر کیلومتر ریل راه‌آهن را با ۱۰۰ کیلومتر جاده مقایسه می‌کنند. میزان آب موجود در یک سرزمین نیز از شاخص‌های مهم مفید بودن آن پهنه است. یک سرزمین وسیع که به حد کافی از منابع آبی برخوردار می‌باشد، به جمعیت خود اجازه تولید محصولات غذایی، نیازمندی شرب، مصارف بهداشتی و صنعتی و غیره را می‌دهد. همین منابع آب امکان تولید انرژی برق آبی را فراهم می‌کند. لذا منابع تجدیدشونده آب از شاخص‌های مهم سرزمینی مؤثر در قدرت می‌باشد. از سوی دیگر یک سرزمین وسیع احتمالاً منابع بیشتر کانی و معدنی و ذخایر انرژی را در خود جای داده است. گاهی نیز یک سرزمین کوچک‌تر که منابع غنی‌تری دارد، برای ساکنین خود

۳۰۸ تحلیلی بر قدرت ملی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با تأکید بر ایران در افق ۱۴۰۴

۱۵	مراکش	۴۴۷	۴۱۴۷	۱۸۳۵	۱۱۸	۶۱/۹	۰/۶۲	۲۹۴	۰/۳۹۴	۵۷/۶۲۵	-۵۸	۱/۹۰۷	۲	۲۱/۸۸	۰/۱۲۲	۲۹	۲/۹	-۱/۱	۱۲/۹	۰/۰۱۲	۱/۵۵۷
۱۶	سودان	۲۵۰۵/۸	۲۵	۸۵۳	-۱۸۵	۱۱/۸	۰/۱۲	۲۱۴	۰/۳۱۴	۱۱/۹۰۰	-۱۲	۵/۹۷۸	۶	۴/۰۳۷	۰/۰۴	۱۵۴	۱۵/۴	۶/۶	۰/۶۸۴	۴۸/۴۲	
۱۷	لژیبه	۱۱۷/۶	۱/۱۸	۲۳۴	۲/۲۳	۲۲	۰/۲۲	۶۳۴	۰/۶۳۴	۶/۰۰	-۰/۴	۰/۳۰۶	-۱۲	۰/۲۵۳	۰/۰۰۲۵	۶/۳	۰/۶	-	۰	۵/۳۳	
۱۸	سومالی	۶۳۸	۶/۳۸	۳۰۲۵	۳	۱۵/۸	۰/۱۶	۹۹۰	۰/۹۹	۲۳/۱۰۰	-۱۲۲	۰	۰	۰/۲۸۰	۰/۰۰۲۸	۱۵/۷	۱/۵۷	-	۰/۰۵۶	۱۲/۷	
۱۹	ترکیه	۷۸۳/۵۶۲	۷۸۳/۵۶۲	۷۱۸۴	۷/۲	۷۲۰۰	۷۱/۸۴	۲۳۶	۰/۲۳۶	۴۲۶/۹۵۱	-۱۲۳۶	۴/۲۷	۸/۶۹۷	۸/۶	۱۸/۱۶	۱/۸۲	۲۴۴	۲۳/۴	۰/۳۵	۵۴/۲۵	
۲۰	سوریه	۱۸۵/۱۸۰	۱۸۵/۱۸۰	۱۸۵	۱/۹۳	۱/۹	۸۶/۹	۲۸۸	۰/۲۸۸	۹۷/۴۰۱	-۱۹۷	۲/۵۲	۲/۵	۴/۵	۰/۰۴	۴۶/۱	۴/۶	۲/۲۴۴	۰/۲۶	۱۱/۴۸	
۲۱	لبنان	۱۰۴۰۰	۰/۱	۲۲۵	-۱/۲۲۵	۳/۱۷	۰/۳۱۷	۱۰۶۱	۰/۱۰۶۱	۶/۹۰۰	-۰/۶	۰/۴۰۱	۰/۶	۸/۱۷۶۴	۰/۰۸	۴/۸	۴/۸	-	۰	۴/۴۵	
۲۲	اسرائیل	۲۲/۰۷۲	۲۲/۰۷۲	۲۷۳	۰/۲۷۳	۲۹۹/۵	۲/۲۷۳	-	-	۱۷/۸۷۰	-۱/۸	۰/۹۱۳	۰/۹۱	۴۸/۱۷۹۳	۰/۴۸	۱/۷	۱/۷	۰/۰۱۹۴	۰/۰۴	۵/۲۵	
۲۳	اردن	۸۹/۳۴۴	۰/۸۹	۲۶	۰/۲۶	۵۵/۸	۰/۵۶	۱۲۱۳	۰/۱۲۱۳	۸/۰۰۲	-۱/۸	۰/۵۰۷	۰/۵	۱/۰۰۸	۰/۰۱	۰/۹	۰/۹	۰/۰۰۶	۲/۰۱		
۲۴	عراق	۴۳۸/۳۱۷	۴۳۸/۳۱۷	۵۸	۰/۵۸	۵۲/۷	۰/۵۳	۴۰۲	۰/۴۰۲	۴۴/۹۰۰	-۰/۴	۲/۲۷۲	۲/۲۷	۳۶/۹۳	۰/۳۶	۹۶/۴	۹/۶	۱۱۲/۵	۶/۳	۲۲/۳۳	
۲۵	آذربایجان	۸۶/۶۰۰	۸۶/۶۰۰	۷۱۳	۰/۷۱۳	۸۸/۹	۰/۸۶	۱۸۳	۰/۱۸۳	۵۹/۱۲۱	-۵۹	۲/۱۲۲	۲/۱۲	۲۳/۸	۰/۲۴	۳/۰۳	۳/۰۳	۷	۹/۲	۱۷/۸۲	
۲۶	ارمنستان	۲۹/۷۴۳	۲۹/۷۴۳	۰	۰	۱۱۷/۵	۰	۵۸۴	۰/۵۸۴	۷/۷۰۰	-۰/۷	۰/۸۴۵	۰/۸۴	۵/۵۴۴	۰/۰۵	۱/۰۵	۱/۰۵	۰	۰	۶/۰۷	
۲۷	ترکمنستان	۴۸۸/۱۰۰	۴۸۸/۱۰۰	۴/۸۹	۴/۸۹	۱/۷۶۸	۰/۹/۹	۳۰۷	۰/۳۰۷	۵۸/۵۲۲	-۵۹	۲/۹۸۰	۲/۹۸	۱۲/۸۳	۰/۱۲	۶/۰۹	۶/۰۹	۰/۶	۲/۹	۲۰/۵۴	

ماخذ:

۱-

۲-

www.cia.factbook

جفری عباس - گیتا شناسی نوین کشورها - چاپ سوم ۱۳۸۷ - مؤسسه جغرافیایی و گیتا شناسی

۳-۲. بررسی قدرت کشورهای خاورمیانه در مؤلفه اقتصادی

برای بررسی وضعیت مؤلفه اقتصادی قدرت، ۹ شاخص مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته (به جدول الف مراجعه شود) و متناسب با وضعیت هر کشور امتیاز مناسب به آنها اختصاص داده شده است. یکی از مهم‌ترین این شاخصه‌ها میزان درآمد ملی کشورهاست که در مجموع می‌تواند نشان‌دهنده حجم فعالیت‌های اقتصادی کشور باشد. اگرچه این شاخص به تنهایی به معنای قدرت اقتصادی کشور نخواهد بود، اما شاخص درآمد سرانه که نشان‌دهنده سهم یک نفر از درآمد کشور است، گویاتر خواهد بود. بدیهی است در بررسی میزان قدرت و مقایسه دو کشور وقتی کشور الف ۱۰۰۰ میلیارد دلار درآمد دارد، از وزن ژئوپلیتیکی بیشتری نسبت به کشور ب مثلاً با ۳۰ میلیارد دلار درآمد، برخوردار است؛ حتی اگر درآمد سرانه اولی ۱۱/۹۰۰ دلار و

دومی ۳۷/۰۰۰ دلار باشد. لذا سه شاخص درآمد ملی، سرانه درآمد ملی و میزان درصد رشد سالانه درآمد کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخص اقتصادی دیگر مورد توجه، درصد سهم صادرات صنعتی از کل صادرات کشور است که هر چه سهم بیشتری داشته باشد، نشانه مثبتی است و رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشور را نشان می‌دهد. شاخص درصد سهم واردات مواد غذایی از کل واردات از جمله شاخص‌هایی است که هر چه سهم بیشتری داشته باشد، نشانه ضعف استراتژیک کشور و نشانی منفی برای قدرت اقتصادی است، زیرا وابستگی به مواد غذایی یک آسیب‌پذیری استراتژیک بالقوه است.

نیروی کار و توزیع آن در بخش‌های کشاورزی صنعت و خدمات نیز از دیگر شاخص‌های مورد ارزیابی است. اشتغال نیروی کار بیشتر در بخش کشاورزی نشانی از عقب‌ماندگی تکنولوژیکی کشور است، زیرا امروزه با سهم نیروی کار کمتر تولیدات کشاورزی بیشتری حاصل می‌شود. اشتغال مناسب در بخش‌های صنعت و خدمات نشانه مثبتی از اشتغال را نشان می‌دهد. شاخص درصد بیکاری نیز یکی از نشانه‌های منفی در اقتصاد کشور است و با تأثیر منفی نشان‌دهنده عدم کفایت مدیریت اقتصادی کشور در تولید اشتغال است.

تعداد بنادر و فرودگاه‌ها که نشان‌دهنده پایانه‌های صادراتی و وارداتی و نشانی از زیرساخت‌های مورد نیاز تحرک اقتصادی است نیز به عنوان یک نشانه مثبت از قدرت اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین میزان ذخیره پول و شبه پول هر کشور نیز به عنوان یکی از شاخص‌های مثبت مورد توجه قرار دارد. البته شاخص‌های بیشتری نیز در این مؤلفه قابل بررسی است که در این تحقیق به همین موارد اکتفا گردید.

نگاره شماره (۲) نشان‌دهنده وضعیت و مقایسه ۲۷ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا

۳۱۰ تحلیلی بر قدرت ملی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با تأکید بر ایران در افق ۱۴۰۴

نگاره شماره (۲) - اندازه شاخص‌ها (متغیرها)ی مؤثر در مؤلفه اقتصادی قدرت ملی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

ردیف	نام کشور	درآمد ملل میلیارد دلار	امتیاز	سرمایه تراکم ملی دلار	امتیاز	درصد رشد سالانه تولید ناخالص	امتیاز	سهولت صنایع مستغنی از کال	امتیاز	سهولت تجاری از واردات برسد	امتیاز	تیرری کار کشاورزی خ- صنایع خدمات	امتیاز	تیرری تجاری درصد	امتیاز	تعداد سازار و فرودگاه ها به‌پندر فرودگاه	امتیاز	ذخیره پول و شبه پول میلیارد دلار	جمع امتیاز
۱	ایران	۸۴۲	۸۴/۲	۱۲۸۰۰	۱۲/۸	۶/۵	۰/۰۲۹	۲/۹	۰/۱۲/۴	۰/۱۲/۴	۰/۲۵ ک ۰/۲۱ م ۰/۲۵ خ	۵/۱	۰/۱۲/۵	۰/۱۲/۵	۶	۱۴/۵	۶۶/۱۳	۱۱/۴	۱۱۲/۴
۲	عمان سعودی	۵۷۶/۵	۵۷/۷	۴۰۵۰۰	۴۰/۵	۴/۲	۰/۰۲۱/۷	۲۱/۷	۰/۱۹/۶	۰/۱۹/۶	۶/۷ ک ۲۴/۴ م ۷/۱۹ خ	۸/۸۵	۰/۱۱/۸	۰/۱۱/۸	۴	۱۱۲/۲	۱۳۴/۳	۲۴/۷	۱۱۵/۰۵
۳	کویت	۱۴۹/۱	۱۴/۹	۵۷۴۰۰	۵۷/۴	۵/۷	۰/۰۸/۵	۸/۵	۰/۱۳/۶	۰/۱۳/۶	ک- م- خ-	۰	۰/۲/۲	۰/۲/۲	۵	۱۵/۳	۷/۹	۷۲/۳	۷۲/۳
۴	قطر	۹۱/۳۳	۹/۱۴	۱۱۰۷۰۰	۱۱۰/۷	۱۳/۴	۰/۰۱۲/۴	۱۲/۴	۰/۱۳/۲	۰/۱۳/۲	ک- م- خ-	۰	۰/۰۲	۰/۰۲	۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۲۰/۱۴	۱۲۰/۱۴
۵	بحرین	۲۶/۷	۲/۷	۳۷۴۰۰	۳۷/۳	۳/۳	۰/۰۲۹/۵	۲۹/۵	۰/۱۲/۸	۰/۱۲/۸	ک- م- خ-	۹/۹	۰/۱۵	۰/۱۵	۳	۱۹	۱۷/۵	۶۶/۳	۶۶/۳
۶	لبنان	۱۸۴/۳	۱۸/۴	۳۹۰۰	۳۹/۹	۷/۴	۰/۰۲/۷	۲/۷	۰/۹/۷	۰/۹/۷	ک- م- خ-	۷	۰/۲/۴	۰/۲/۴	۷	۲۹/۵	۱۵/۳	۷۸/۵	۷۸/۵
۷	یمن	۵۵/۲۸	۵/۶	۴۴۰۰	۴۴/۲	۳/۲	۰/۰۲۲/۲	۲۲/۲	۰/۱۲/۲	۰/۱۲/۲	ک- م- خ-	۰	۰/۰۳۵	۰/۰۳۵	۳	۳/۶	۰/۸	۲۴/۸	۲۴/۸
۸	عمان	۶۷	۶/۷	۲۰۴۰۰	۲۰/۲	۶/۴	۰/۰۲/۴	۲/۴	۰/۱۲/۹	۰/۱۲/۹	ک- م- خ-	۰	۰/۰۱۵	۰/۰۱۵	۳	۱/۶	۱/۶	۱۰/۵	۱۰/۵
۹	افغانستان	۲۲/۲۲	۲/۲	۷۰۰	۷/۰	۳/۴	۰/۰۲/۴	۲/۴	۰/۱۸/۸	۰/۱۸/۸	ک- م- خ-	۸	۰/۰۴	۰/۰۴	۱	۱۰	۰/۱۹	۵۸/۳	۵۸/۳
۱۰	پاکستان	۴۲۷/۴	۴۲/۷	۲۵۰۰	۲۵/۰	۲/۷	۰/۰۲۸	۲/۸	۰/۹/۹	۰/۹/۹	ک- م- خ-	۱/۳	۰/۷/۴	۰/۷/۴	۲	۳۹/۶	۷/۹	۷۱/۷	۷۱/۷
۱۱	مصر	۴۴۳/۷	۴۴/۴	۵۴۴۰۰	۵۴/۴	۵/۲	۰/۰۷/۲	۷/۲	۰/۱۹/۱	۰/۱۹/۱	ک- م- خ-	۲/۶	۰/۰۲	۰/۰۲	۶	۲۲/۶	۱۳	۷۱/۵	۷۱/۵
۱۲	لیبی	۸۸/۸۳	۸/۹	۱۴/۴۰۰	۱۴/۴	۶/۳	۰/۰۵/۱	۵/۱	۰/۰۴/۰	۰/۰۴/۰	ک- م- خ-	۷/۵	۰/۰۲	۰/۰۲	۶	۲/۶	۳/۱	۰/۱۲	۰/۱۲
۱۳	الجزایر	۲۲۲/۹	۲۲/۲	۶/۹۰۰	۶/۹	۳/۵	۰/۰۳/۵	۳/۵	۰/۰۲۷/۵	۰/۰۲۷/۵	ک- م- خ-	۷/۲	۰/۰۲۵	۰/۰۲۵	۹	۶/۹	۹/۱	۱۷/۵	۱۷/۵
۱۴	تونس	۸۱/۷/۱	۸/۲	۷۹۰۰	۷/۹	۴/۵	۰/۰۳/۰	۳/۰	۰/۰۸/۳	۰/۰۸/۳	ک- م- خ-	۰	۰/۱۲/۱	۰/۱۲/۱	۶	۲/۸	۲/۴	۶۲/۷	۶۲/۷
۱۵	مراکش	۱۳۶/۶	۱۳/۷	۴۱۰۰	۴۱/۰	۴/۱	۰/۰۵/۴	۵/۴	۰/۱۷/۱	۰/۱۷/۱	ک- م- خ-	۱	۰/۱۰	۰/۱۰	۴	۲/۸	۸/۳	۹/۵	۹/۵
۱۶	سودان	۸۸/۸	۸/۹	۲۲۰۰	۲۲/۰	۲/۲	۰/۰۶/۵	۶/۵	۰/۱۹/۵	۰/۱۹/۵	ک- م- خ-	۰	۰/۱۸/۷	۰/۱۸/۷	۱	۲/۱	۰/۹	۲۳/۶	۲۳/۶
۱۷	لریبه	۳/۹۵	۰/۴	۷۰۰	۷/۰	۰/۲	۰/۰۲/۰	۲/۰	۰/۱۹/۶	۰/۱۹/۶	ک- م- خ-	۰	۰/۰۶	۰/۰۶	۲	۰/۸	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۱۸
۱۸	سومالی	۵/۵۲۴	۵/۵	۶۰۰	۶/۰	۲/۶	۰/۰۲/۶	۲/۶	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	ک- م- خ-	۰	۰/۰۴	۰/۰۴	۲	۱/۱	۰	۰/۳۷	۰/۳۷

۱۹	ترکیه	۹۰/۲۷	۹۰/۲۳	۱۱/۹۰۰	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۱/۹
۲۰	سوریه	۹۸/۸۳	۹/۹	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰
۲۱	لبنان	۲۴/۶	۴/۵	۱۱۱۰۰	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱
۲۲	اسرائیل	۲۰/۱۲	۲۰/۱۲	۲۸۲۰۰	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۸/۳
۲۳	اردن	۳۱/۶	۳۱/۶	۵۱۰۰	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۱
۲۴	عراق	۱۰/۲۹	۱۰/۲۹	۳۷۰۰	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۷
۲۵	آذربایجان	۷۷/۶	۷/۸	۹۵۰۰	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵	۹/۵
۲۶	ارمنستان	۱۸/۷۷	۱/۹	۶۲۰۰	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳
	ترکمنستان	۲۹/۱۷۸	۲	۶۲۰۰	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳

۳-۳. بررسی کشورهای خاورمیانه در مؤلفه اجتماعی قدرت

مؤلفه اجتماعی با لحاظ ۱۰ شاخص (نگاره ج) مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از شاخص‌های مورد نظر در این مؤلفه، شاخص جمعیت است. صاحب‌نظران معتقدند مهم‌ترین عامل در ژئوپلیتیک، انسان است و بدیهی است در اینجا انسان متفکر و خلاق با مهارت عینی و ذهنی بالا، مورد توجه است. کمیت جمعیت به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در قدرت ملی کشور به ویژه در بُعد نظامی ایفای نقش می‌کند. جمعیت زیاد پیش‌شرط قدرت محسوب می‌گردد، اما عامل تعیین‌کننده قطعی نیست. ترکیب و یا ساختمان جمعیت نیز با قدرت ملی ارتباط دارد. برای مثال درصد جمعیت در گروه سنی مولد یعنی ۱۵ تا ۶۴ سال برای قدرت ملی اهمیت دارد. بالا بودن نسبت جمعیت در این فاصله سنی باعث تأمین نیروهای نظامی، صنعتی و همچنین تولید نسل جدید می‌شود. از طرفی افزایش انسان‌های ماهر یک کشور رابطه مستقیمی با بالا بودن متوسط عمر جمعیت آن کشور دارد. میانه یا متوسط عمر سنی است که جمعیت کشور را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند و بالا بودن آن نشانه مثبت جمعیتی است. هرگاه جمعیت افراد بین سنین ۱۵ تا ۶۵ کشور، بیش از ۳۵ درصد کل جمعیت را تشکیل دهند، این کشور از بهترین و مطلوب‌ترین عوامل به منظور حفظ امنیت، ثبات، بقا و توسعه اقتصادی برخوردار است.

۱۳	الجزایر	۳۳۱۸	۳۳۱۸	۱۰۰۰	۳۱۵	۳۵۱۳	۲۱۲	۲۲	۲۱۸	۲۷۷۲	۸۱۵	۸۵	۶۱۵	۶۱۵	۷۱۵	۷۲۲۰	۶۱۸۳	۰۶۸۲	۳۱۴	۳۳۱۸
۱۴	تونس	۱۰۴۸۲	۱۰۴۸۲	۱۰۰۰	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۷۱۴	۲۱۲	۲۲۵۷	۷	۲۰	۷۰۱	۷۰۱	۷۱۶	۷۸	۷۰۳	۰۷۰۳	۱۰۰۵	۱۰۴۸۲
۱۵	مراکش	۳۴۸۶۰	۳۴۸۶۰	۳۳	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۳۶۸۸	۴۶	۴۶	۶۱۷	۶۱۷	۷۱۲	۷۱۸	۵۱۸۱	۰۵۸۱	۳۱۵	۳۴۸۶۰
۱۶	سودان	۲۱۰۸۷	۲۱۰۸۷	۲۳	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۸۱۸	۰۹	۹	۵۶۸	۵۶۸	۵۱۲	۵۱۲۲	۴۱۷۷	۰۴۷۷	۲۱۱	۲۱۰۸۷
۱۷	ارژیه	۵۶۴۷	۵۶۴۷	۳۱	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۴۴۳۲	۰۲	۲	۵۱۳۷	۵۱۳۷	۶۱۲	۶۱۷۸	۲۱۰۸	۰۶۰۸	۰۵۶	۵۶۴۷
۱۸	سومالی	۹۸۳۲	۹۸۳۲	۸۵	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۱۰۱۲	۰۰	۰۰	۵۱۲۶	۵۱۲۶	۵	۴۱۶۳	۰۰	۰۰	۰۹۸	۹۸۳۲
۱۹	ترکیه	۷۶۸۰۶	۷۶۸۰۶	۱۳	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۲۵۷۸	۱۲۱	۱۲۱	۷۰۷	۷۰۷	۷۱۲	۷۱۹۶	۷۱۲۲	۰۷۲۲	۷۱۷	۷۶۸۰۶
۲۰	سوریه	۲۰۱۷۸	۲۰۱۷۸	۱۹	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۲۵۸۷	۱۶۱	۱۶۱	۶۰۸	۶۰۸	۷۱۲	۷۱۹	۶۱۶	۰۶۶۰	۲۰۲	۲۰۱۷۸
۲۱	لبنان	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۱۳	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۲۰۸۲	۲۱	۲۱	۶۱۷	۶۱۷	۷۱۴	۷۱۳۵	۰۷۳۵	۰۷۲۲	۰۰۴	۲۰۱۸
۲۲	اسرائیل	۷۲۴۴	۷۲۴۴	۱۸	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۳۸۱۵	۳۸۵	۳۸۵	۶۱۲	۶۱۲	۸۰۷	۸۰۷۳	۸۰۹	۰۸۸۳	۰۰۷	۷۲۴۴
۲۳	اردن	۶۲۴۲	۶۲۴۲	۲۸	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۱۶۱۷	۱۶۶	۱۶۶	۶۱۵	۶۱۵	۷۱۹	۷۸	۷۱۱	۰۷۲۱	۰۰۶	۶۲۴۲
۲۴	عراق	۲۸۹۴۵	۲۸۹۴۵	۱۹	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۲۲۸۲	۰۰	۰۰	۵۱۸۲	۵۱۸۲	۷	۶۸۹۴	۵۱۸	۰۵۸۲	۲۱۹	۲۸۹۴۵
۲۵	آذربایجان	۸۲۳۸	۸۲۳۸	۱۱	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۵۱۶	۳۶	۳۶	۶۱۴	۶۱۴	۶۱۷	۶۶۶۶	۷۱۲۲	۰۷۲۲	۰۰۸	۸۲۳۸
۲۶	ارمنستان	۲۹۶۷	۲۹۶۷	۷	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۲۱۲	۲۱۶	۲۱۶	۷۱۱	۷۱۱	۷۱۲	۷۱۶۸	۷۱۱	۰۷۲۱	۰۰۲	۲۹۶۷
۲۷	ترکمنستان	۴۸۸۴	۴۸۸۴	۷۷	۴	۲۰	۰۰۰۰۰۰	۲۱۲	۲۱۲	۴۵۲۶	۳۰	۳۰	۵۱۴	۵۱۴	۶۱۸	۷۸۷	۷۱۰۴	۰۷۰۴	۰۰۵	۴۸۸۴

ماخذ: ۱- www.cia.factbook ۲- جغرافی شناسی - کینا شناسی نوبین کشورها - چاپ سوم ۱۳۸۷ - مؤسسه جغرافیایی و کینا شناسی

۳-۴. بررسی قدرت کشورهای خاورمیانه در مؤلفه فرهنگی قدرت

به منظور اندازه‌گیری این مؤلفه، ۸ شاخص مورد ارزیابی قرار گرفته است (نگاره د). یکی از شاخص‌های مهم مورد توجه در این مؤلفه، میزان سواد در افراد بالای ۱۵ سال جمعیت کشور است. بدیهی است هر چه میزان سواد و افراد با سواد یک جامعه بیشتر باشد، آن کشور و ملت در همه ابعاد امکان بیشتری برای رشد و در نتیجه کسب قدرت بیشتر در اختیار دارد. این‌گونه ملت‌ها آمادگی بیشتری برای کسب مهارت‌های بالاتر فنی دارند، فهم و درک و در نتیجه مشارکت اجتماعی آنها بالاتر است و در نتیجه تعامل بهتر بین ملت و حکومت و همچنین اقبال مختلف ملت برقرار می‌گردد و اینها همه عامل قدرت خواهد بود.

شاخص تعداد روزنامه‌های منتشر شده برای ۱۰۰۰ نفر جمعیت و اشتراک اینترنت در ازای ۱۰۰۰ نفر، خطوط تلفن ثابت موجود و تعداد تلویزیون به ازای همین میزان جمعیت و همچنین سرانه مصرف کاغذ در کشور از شاخص‌هایی هستند که مؤلفه کیفی و غیر قابل اندازه‌گیری

۳۱۴ تحلیلی بر قدرت ملی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با تأکید بر ایران در افق ۱۴۰۴

فرهنگ را تا حدودی می‌توان با آنها سنجید و بالا بودن میزان این امکانات نشانه مثبتی از تلاش در جهت ارتقاء فرهنگی کشور تلقی می‌گردد. تعداد ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون نیز از شاخص‌های مهم دیگری است که به عنوان عناصر زیربنایی توسعه فرهنگی جامعه محسوب و تعداد بیشتر آنها نشانه مثبتی از ارتقاء احتمالی فرهنگ است.

میزان هزینه برای آموزش از درآمد ملی نیز شاخص قابل اندازه‌گیری دیگری است که می‌تواند با ابزار کمی، مؤلفه کیفی را قابل سنجش نماید و درصد بالاتر هزینه نشانه مثبتی از تلاش در جهت ارتقاء فرهنگی جامعه است.

نگاره شماره (۴) - اندازه شاخص‌ها (متغیرها)ی مؤثر در مؤلفه فرهنگی قدرت ملی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

ردیف	نام کشور	ترخ سواد افراد بالای ۱۵ سال	امتیاز روزنامه برای ۱۰۰۰ نفر	امتیاز اشتراک اینترنت در ۱۰۰۰ نفر	تلفن در ۱۰۰۰ نفر	امتیاز صرف کاغذ Kg	امتیاز رادیو و تلویزیون	سرمایه هزینه آموزشی از G.D.P	جمع امتیاز
۱	ایران	۰-۷۷	۷/۷	۳۲	۲/۲	۴۴۶	۳۱۵	۱۵۷	۳۸۵
۲	عربستان سعودی	۰-۷۸/۸	۷/۹	۵۹	۲/۲	۲۶۳	۱۲۹	۲/۶۲	۳۸۵
۳	کویت	۰-۹۳/۳	۹/۳	۳۷/۶	۳/۴	۳۳۴	۱۹۲	۵	۳۸۵
۴	قطر	۰-۸۹	۸/۹	۱۶/۱	۴/۱	۸۶۶	۲۸۶	۸/۵	۳۸۵
۵	بحرین	۰-۸۶/۵	۸/۷	۱۱/۷	۳/۴	۳۴۳	۲۴۱	۴/۱	۳۸۵
۶	امارات	۰-۷۷/۹	۷/۸	۱۷۰	۲/۱	۴۱۸	۲۸۸	۲/۱	۳۸۵
۷	یمن	۰-۵۰/۲	۵	۱۵	۱/۵	۶۱۳	۲۸۶	۲/۸	۳۸۵
۸	عمان	۰-۸۱/۴	۸/۱	۳/۷	۲/۷	۲۰	۵۸۸	۵/۸	۳۸۵
۹	افغانستان	۰-۲۸/۱	۲/۸	۶	۰/۶	۵۹	۱/۲	۱/۲	۳۸۵
۱۰	پاکستان	۰-۴۹/۹	۵	۲/۲	۹۹	۲/۲	۲۵	۱/۴	۳۸۵
۱۱	مصر	۷/۱۴	۷/۱۴	۳/۸	۱۰-۳	۱۲۰	۱۲	۱۲۰	۳۸۵
۱۲	لیبی	۸۲/۶	۸/۲۶	۱/۴	۴۱	۱/۴	۱۲۲	۱۲۲	۳۸۵

۳۰/۵۸	۷/۲	۷/۲	۷/۸	۲۴ ر ۲۶ ت	۲/۲	۲/۲	۰/۹۶	۹۶	۱/۰۶	۱۰۶	۱/۰۰۲	۱۰۲	۲/۶	۲۶	۷	۶۹/۹	الجزایر	۱۳
۲۴/۲۳	-	-	۷/۱	۲۵ ر ۲۶ ت	۶/۱	۶/۱	۱/۱۷	۱۱۷	۱/۰۴	۱۰۴	۱/۶۲	۱۶۲	۳/۱	۳۱	۷/۵	۷۶/۳	تونس	۱۴
۲۲/۹	۶	۶	۹/۱	۵۶ ر ۳۵ ت	۲/۲	۲/۲	۰/۶۸	۶۸	۱/۶۲	۱۶۲	۲/۰۹	۲۰۹	۲/۷	۲۷	۵/۳	۵۲/۳	مراکش	۱۵
۱۷/۶	۲/۴	۲/۴	۱/۷	۱۴ ر ۳ ت	۰/۱	۰/۱	۰/۰۸	۸	۰/۸۶	۸۶	۰/۳۶	۳۶	۲/۴	۲۴	۶/۱	۶۱/۱	سودان	۱۶
۹/۳۱	۲/۴	۲/۴	۰/۶	۴ ر ۲ ت	-	-	۰/۰۶	۶/۶	۰/۱۴	۱۴	۰/۲۱	۲۱	-	-	۵۸/۶		لبنان	۱۷
۶/۷۷	-	-	۱/۶	۱۲ ر ۴ ت	-	-	۱/۰۱	۱۰۱	۰/۱۵	۱۵	۰/۰۹	۹/۹	۰/۱۲	۱/۲	۲/۸	۳۳۴/۸ ۸۷	سومالی	۱۸
۱۱۳/۲۴	۴	۴	۷۵/۴	۱۹ ر ۶۳۵ ت	۷	۷	۲/۳۹	۳۳۹	۳/۱۵	۳۱۵	۱/۷	۱۷۱	۱/۱	۱۱	۸/۷	۷۹/۶	ترکیه	۱۹
۲۷/۰۱	۹/۳	۹/۳	۶/۱	۱۷ ر ۲۴ ت	۳	۳	۱/۷۱	۱۷۱	۰/۷	۶۹/۱	۱/۷	۱۷۱	۲	۲۰	۷/۹	۸۷/۴	سوریه	۲۰
۵۸/۰۹	۲/۷	۲/۷	۷/۱	۵۶ ر ۱۵ ت	۱۸/۳	۱۸/۳	۱/۴۹	۱۲۹	۳/۱۵	۳۵۱	۲/۴	۲۳۶	۱۴/۱	۱۴۱	۸/۷	۸۷/۴	لبنان	۲۱
۱۱۱/۰۵	۶/۹	۶/۹	۵/۷	۱۴ ر ۱۷ ت	۴۹/۵	۴۹/۵	۴/۱۵	۴۱۵	۳/۲	۳۱۸	۲/۸	۲۷۶	۲۹/۱	۲۹۱	۹/۷	۹۷/۱	اسرائیل	۲۲
۲۳/۱۷	۴/۹	۴/۹	۵/۳	۲۱ ر ۲۲ ت	۵/۹	۵/۹	۰/۹۲	۹۲	۰/۸۵	۸۵	۱/۸	۱۷۷	۴/۵	۴۵	۹	۸۹/۹	اردن	۲۳
۲۰/۱۵	-	-	۹/۹	۵۲ ر ۲۷ ت	۰/۳	۰/۳	۰/۵۴	۵۴	-	۰/۱۸	۱/۸	۲	۲۰	۷/۴	۷۴/۱		عراق	۲۴
۲۰/۷۵	۲/۱	۲/۱	۳	۲۸ ر ۲ ت	۰/۴	۰/۴	۱/۵	۱۵۲	۲/۵۴	۲/۵۴		۱۲۹	۲/۸	۲۸	۹/۹	۹۸/۸	الجزایر	۲۵
۲۸/۵۶	۲/۲	۲/۲	۷/۴	۲۶ ر ۲۸ ت	۰/۴	۰/۴	۲/۳	۲/۳	۲/۲۸	۲/۲۸		۲/۴	۲/۲	۲۴	۱۰	۹۹/۲	ارمنستان	۲۶
۱۹/۷۸	۳/۹	۳/۹	۳	۲۶ ر ۲ ت	۰/۱	۰/۱	۰/۹۲	۹۰۲	۲/۰۱	۲/۰۱		-	-	-	۹/۷	۹۷/۷	ترکمنستان	۲۷

۱- جغرافی عیاس - گیتا شناسی نوبن کشورها - چاپ سوم ۱۳۸۷ - مؤسسه جغرافیایی و گیتا شناسی

www.cia.factbook

۴. بحث و تجزیه و تحلیل

الف) مؤلفه سرزمینی

بررسی شاخص‌های نه‌گانه مؤلفه سرزمین کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد که اگر منابع نفت و گاز را از این کشورها بگیریم، در سایر شاخص‌ها این منطقه بسیار ضعیف و بسیاری از کشورهای منطقه فاقد امکانات اولیه زیست‌محیطی می‌باشند. کشورهای کویت و بحرین به قدری ضعیف هستند که پس از پایان منابع نفت و گاز به هیچ عنوان قادر به ادامه حیات به عنوان یک واحد مستقل نخواهند بود. زیرا فاقد امکانات زیست‌محیطی بوده و تنها موقعیت آنها واجد امتیاز است که انگیزه‌ای برای قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای برای حفظ تسلط خود خواهد بود. روند جهانی‌سازی این انگیزه را نیز مورد تردید قرار می‌دهد.

بررسی نگاره شماره (۱) نشان می‌دهد در بین ۲۷ کشور منطقه، ایران در حالی که از لحاظ وسعت پنجمین کشور منطقه محسوب می‌شود، حائز رتبه اول و کشورهای عربستان و ترکیه در

رتبه‌های بعدی قرار دارند. کشورهای بحرین و کویت به ترتیب آخرین رتبه‌ها یعنی ۲۶ و ۲۷ این مؤلفه را به خود اختصاص داده‌اند.

شاخص‌های میزان وسعت و طول ساحل به دریای آزاد جزو عوامل ثابت محسوب می‌شود و مدیریت کشور نمی‌تواند در افزایش آن در قرن ۲۱ با توجه به ثبات و صلح جهانی مؤثر باشد، اما در خصوص سایر مؤلفه‌ها ایران را با قوی‌ترین کشور منطقه در هر شاخص مقایسه می‌کنیم. تراکم نسبی جمعیت ایران نسبت به تراکم جهانی که حدود ۴۸ نفر است، مناسب بوده، هر چند ایران گنجایش پذیرش جمعیت بیشتری را نیز دارد. اما تراکم زیستی ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه بالاست و این بدان معناست که ایران باید با مهار آب‌های سطحی از طریق سدسازی و طرح‌های آبخیزداری و اصلاح روش‌های آبیاری و دیگر اقدامات و متدهای حفظ آب و منابع آبی از یک طرف و بیابان‌زدایی و احیاء زمین‌های موات، زمین‌های قابل استفاده خود را به‌نحوی توسعه دهد که تراکم زیستی ایران از رقم فعلی یعنی حدود ۳۷۰ نفر در کیلومترمربع به حدود ۲۰۰ نفر در کیلومترمربع کاهش یابد. به عبارت دیگر، حدود ۱۶/۴۸۰/۰۰۰ هکتار زمین قابل استفاده موجود باید به بیش از ۳۰ میلیون هکتار افزایش یابد، یعنی تا افق ۱۴۰۴ سالانه یک میلیون هکتار زمین احیاء گردد. البته ضرورت ندارد زمین جدید احیاء شود، بلکه می‌توان با افزایش بهره‌وری در واحد سطح نیز به همان نتایج با هزینه کمتر دست یافت. توجه داشته باشیم کشور فرانسه تقریباً ۱/۳ کشور ایران وسعت دارد و با جمعیت اندکی کمتر به عنوان قطب کشاورزی اروپا مطرح است. سطح مفید فرانسه حدود ۱۵۶ میلیون هکتار بوده که در حدود ۱۰ درصد کمتر از ایران است.

ترکیه با مساحت کمتر از ۱/۲ ایران، ۳ برابر کشورمان جاده دارد. بنابراین چنانچه میزان جاده‌های موجود در ایران ۶ برابر توسعه یابد، ارزش این شاخص در ایران با کشوری چون ترکیه برابری خواهد کرد. لذا باید میزان جاده‌های ایران از حدود ۱۷۲ هزار کیلومتر فعلی به حدود ۴۲۰ هزار کیلومتر ارتقاء یابد. یعنی تا افق ۱۴۰۴ باید سالانه نزدیک به ۲۰/۰۰۰ کیلومتر جاده در ایران احداث شود.

راه آهن ایران نیز در مقایسه با ترکیه که بالاترین ارزش این شاخص را در اختیار دارد، همین نسبت است و ایران برای قدرت اول شدن در افق ۱۴۰۴ می بایست سالانه حداقل ۵۰۰ کیلومتر راه آهن جدید احداث نماید.

در زمینه تولید انرژی برق نیز برای برابری این شاخص با کشور بعدی که ترکیه است، باید ظرفیت تولید انرژی ایران به ۲ برابر افزایش یابد، یعنی تا افق ۱۴۰۴ سالانه می بایست ۱۵ میلیارد کیلو وات ساعت بر ظرفیت تولید خود بیفزاییم.

آنچه ایران را در مؤلفه قدرت سرزمینی در رتبه بالاتر از ترکیه قرار داده، وسعت زیاد و ذخایر عظیم نفت و گاز ایران است. اگر چه منابع گاز ایران قرن ها دوام خواهد داشت، ایران می تواند بدون تکیه بر این ذخایر تجدیدناپذیر، این برتری را با توسعه شاخص های مورد اشاره حفظ کند و حتی بیش از این ارتقاء دهد.

ب) مؤلفه اقتصادی

توجه به نگاره شماره (۲) نشان می دهد در این مؤلفه سه کشور ترکیه، فلسطین اشغالی و قطر رتبه های اول تا سوم را کسب و کشورهای سومالی، ترکمنستان و افغانستان به ترتیب رتبه های آخر جدول را به خود اختصاص داده اند. مشکل عمده کشورهای رده پایانی جدول نیز نرخ بسیار بالای بیکاری و سهم بالای واردات مواد غذایی از کل واردات و همچنین پایین بودن درآمد و سرانه درآمد در این کشورهاست.

متأسفانه با اینکه ایران در مؤلفه سرزمینی قدرت با فاصله نسبتاً زیاد از سایر کشورها در رتبه اول قرار دارد، اما در شاخص های مؤثر در مؤلفه اقتصادی، رتبه ۵ منطقه بعد از کشورهای ترکیه، فلسطین اشغالی، قطر و عربستان را به خود اختصاص داده است. درآمد ملی ایران در رتبه دوم بعد از ترکیه قرار می گیرد. پس از ایران عربستان با کمی فاصله قرار دارد. درآمد ملی سایر کشورها با فاصله زیاد در رده های بعدی قرار دارند. در این مؤلفه باید درآمد ایران سالانه ۱۰ درصد رشد داشته باشد تا در افق ۱۴۰۴ قدرت برتر اقتصادی منطقه باشد. درآمد سرانه ایران در رده ۹ منطقه بعد از کشورهای قطر، کویت، امارات، بحرین، فلسطین اشغالی، عربستان، عمان و

لیبی قرار دارد. بدیهی است ایران نمی‌تواند در افق ۱۴۰۴ درآمد سرانه را به رقم ۱۱۱/۰۰۰ دلار برساند، اما ارتقای درآمد سرانه و توزیع مناسب درآمد به نحوی که در شاخص افراد زیر خط فقر امتیاز منفی ایران به صفر افزایش یابد، باید تلاش و برنامه‌ریزی شود. زیرا کشوری که در مؤلفه سرزمینی رتبه اول منطقه را دارد، به صورت بالقوه امکان قدرت اول اقتصادی شدن در منطقه را در اختیار دارد. از آنجا که رتبه ایران در مؤلفه سرزمینی در جهان رتبه دهم می‌باشد (حافظنیا، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲)، تا کسب جایگاه شایسته اقتصادی فاصله بسیار زیادی داریم که باید این فاصله کاهش یابد.

پ) مؤلفه اجتماعی

همان‌طور که در نگاره شماره (۳) ملاحظه می‌شود، در این مؤلفه کشورهای فلسطین اشغالی، ارمنستان و آذربایجان رتبه‌های اول تا سوم و کشورهای اریتره، سومالی و افغانستان به ترتیب رتبه‌های پایانی جدول را به خود اختصاص داده‌اند و ضعیف‌ترین کشورهای منطقه در این شاخص هستند.

کشور ایران در حالی که از لحاظ جمعیت بعد از مصر و ترکیه در رده سوم جدول این شاخص قرار می‌گیرد، از لحاظ شاخص توسعه انسانی نسبت به صدرنشین یعنی کشور فلسطین اشغالی با ۰/۸۸۳ امتیاز در رده بسیار پایین‌تر با امتیاز ۰/۷۰۹ قرار دارد و پایین‌ترین عدد این شاخص مربوط به کشور اریتره با ۰/۴۰۸ امتیاز می‌باشد. بالاترین عدد شاخص توسعه انسانی در جهان مربوط به کشور نروژ با ۰/۹۶۵ امتیاز است. لذا با توجه به این ارقام می‌توان نتیجه گرفت ایران در این شاخص در دنیا در میانه فقیرترین و برخوردارترین کشور جهان قرار دارد و با ۰/۱۷۶ امتیاز فاصله از فلسطین اشغالی در این شاخص رتبه ۱۵ در میان ۲۷ کشور منطقه را دارد و این فاصله زیادی است که باید طی فرصت باقی‌مانده تا افق ۱۴۰۴ سالانه ۰/۰۱۸ امتیاز در این شاخص ارتقاء یابد تا بتواند در این شاخص رتبه اول منطقه را به دست آورد.

امید به زندگی در ایران ۷۲ سال است، در حالی که همین شاخص در کشور فلسطین اشغالی ۸۰ سال می‌باشد. لذا می‌بایست با ارتقاء کیفیت زندگی و ارائه خدمات بهداشتی و

اجتماعی مناسب، سالانه ۰/۷۵ سال به امید زندگی در ایران افزوده شود تا بتواند رتبه اول منطقه را به دست آورد. جمعیت فعال یا مولد ایران یعنی فاصله سنین ۱۵ تا ۶۴ حدود ۷۲/۹ درصد است، این سهم مناسب است، اما متوسط سن پایین ۲۷ سال نشان می‌دهد که بیشتر این جمعیت زیر ۲۷ سال سن دارند، زیرا به طور کلی ۵۰ درصد جمعیت ایران زیر ۲۷ سال قرار دارند. اگرچه بیشتر کشورهای منطقه در این شاخص وضعیت مشابهی دارند، اما این ترکیب برای جمعیت مناسب نمی‌باشد.

تعداد پزشکان در ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در ایران ۲۵۰ نفر می‌باشد که برای ارتقاء جمعیت پزشک به سطح کشور فلسطین اشغالی که بالاترین رتبه را دارد، باید سالانه ۱۵۴۰۰ نفر پزشک از دانشگاه‌های علوم پزشکی فارغ‌التحصیل شوند تا بتوانیم در افق ۱۴۰۴ بالاترین رتبه منطقه را داشته باشیم.

در شاخص مرگ‌ومیر کودکان نیز در کشورمان در ازای ۱۰۰۰ تولد، ۳۵ تولد منجر به مرگ نوزاد وجود دارد، که نسبت به کشور فلسطین اشغالی با ۴ تولد ناموفق در ۱۰۰۰ تولد فاصله زیادی داریم و سالانه باید ۲/۵ تولد منجر به مرگ کاسته شود تا در این شاخص نیز در افق مورد نظر به رتبه اول منطقه ارتقاء یابیم.

برابر آمار منتشره سازمان ملل متحد ۱۸ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اگرچه این شاخص در فلسطین اشغالی صدرنشین جدول منطقه، ۲۰ درصد می‌باشد، باید توجه داشت این جمعیت همان اعراب مظلوم فلسطینی ساکن در سرزمین‌های اشغالی هستند. کمترین میزان جمعیت زیر خط فقر مربوط به سوریه با ۱۱/۹ درصد می‌باشد. آمار بسیاری از کشورهای منطقه در این شاخص در دسترس نمی‌باشد. آنچه مسلم است اینکه در کشوری مانند ایران با توجه به شاخصه‌های سرزمینی حتی یک نفر هم نباید زیر خط فقر زندگی کند. به این منظور سالانه باید ۱/۵ درصد از جمعیت زیر خط فقر کاسته شود تا در افق ۱۴۰۴ بتوانیم با عدد صفر در این شاخص رتبه اول منطقه باشیم.

ترکیب قومی ایران نیز پس از کشورهای قطر، کویت، امارت و پاکستان که امتیاز منفی بیشتری دارند، یکی از مشکلات بالقوه کشور است که ضرورت دارد در زمینه ارتقاء عناصر

وحدت بخش ملی با تقویت عناصر همگرایانه و کاهش و تضعیف عوامل واگرایانه اقدام نمود. ترکیب ۵۱ درصد، ۲۴ درصد، ۸ درصد، ۷ درصد، ۵ درصد، ۲ درصد نشان دهنده گروه بندی قومی ماست، لذا تکیه بر عوامل مشترک ملی، دینی، فرهنگی باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد تا این امکان بالقوه منفی به طور کلی با حداقل ممکن خودنمایی کند.

ت) مؤلفه فرهنگی

در نگاره شماره (۴) کشورهای ترکیه، فلسطین اشغالی و کویت رتبه های اول تا سوم و کشورهای اریتره، افغانستان و سومالی به ترتیب پایین ترین رده های جدول هستند. متأسفانه کشور کهن ایران با سابقه تاریخی و فرهنگی بسیار غنی، در این مؤلفه معنوی با مقیاس شاخص های قابل اندازه گیری تعریف شده، در بین ۲۷ کشور منطقه پس از ترکیه با ۱۱۳/۵ امتیاز که درصد جدول قرار دارد، با ۴۰ امتیاز در رتبه ۹ جدول قرار گرفته است.

نرخ سواد در افراد بالای ۱۵ سال در ایران، ۰/۷۷ و همین شاخص در ترکیه ۸۷/۴ درصد و البته بالاترین امتیاز در این شاخص مربوط به کشور ارمنستان با ۹۹/۴ درصد است. طی مدت باقی مانده تا افق ۱۴۰۴، سالانه می بایست ۱/۵ درصد از میزان بی سوادی افراد بالای ۱۵ سال کاسته شود تا در این شاخص به رتبه اول منطقه نائل شویم.

در ایران برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۳۲ روزنامه منتشر می شود. بالاترین تعداد روزنامه در این شاخص مربوط به کشور کویت با ۳۸۰ روزنامه در ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت است. برای احراز رتبه اول در این شاخص تا سال ۱۴۰۴ سالانه حدود یک میلیون باید به شمارگان روزنامه ها و مجلات منتشره افزوده شود.

در شاخص مشترکین اینترنت، بالاترین رتبه از آن کشور امارات با ۴۸۰ مشترک در ۱۰۰۰ نفر جمعیت می باشد و ایران می بایست سالانه ۱/۰۰۰/۰۰۰ ظرفیت اشتراک به امکانات موجود بیفزاید تا بتواند رتبه اول منطقه را به دست آورد. بالاترین ضریب برخورداری از ارتباطات تلفن ثابت با ۴۱۵ خط در ازای هر ۱۰۰۰ نفر از آن کشور فلسطین اشغالی است و کشور ایران برای کسب رتبه اول در منطقه باید سالانه ۶۸۰/۰۰۰ خط جدید تلفن دایر و واگذار نماید.

سرانه مصرفه کاغذ در ایران می‌بایست از ۳/۹ به حدود ۵۰ کیلوگرم که هم‌اکنون فلسطین اشغالی از آن بهره‌مند است، ارتقاء یابد و این بدان معنی است که در کشور ما در هر سال می‌بایست ۳۴۰/۰۰۰ تن کاغذ علاوه بر امکانات فعلی تهیه و مصرف گردد. بدیهی است مصرف درست و صحیح و مبتنی بر منطق اقتصادی از یک سو و مصرف کاغذ در جهت اعتلای فرهنگ و آموزش مد نظر می‌باشد.

در شاخص تعداد ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون که ترکیه با ۷۵۴ ایستگاه در منطقه بالاترین امتیاز را دارد، در کشور ما می‌بایست سالانه ۴۰ ایستگاه جدید به امکانات موجود افزوده شود تا در این شاخص به رتبه اول منطقه ارتقاء یابیم. هر چه تعداد ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون بیشتر باشد، رادیو و تلویزیون‌های محلی که مطابق سلیقه خرده‌فرهنگ‌های جامعه برنامه تهیه و تولید می‌کنند، افزایش می‌یابد و ابزار نفوذ فرهنگ ملی به طور غیر مستقیم در خرده‌فرهنگ‌ها فراهم می‌شود و ضمن افزایش رضایت‌مندی جامعه موجبات ارتقاء وحدت ملی و هماهنگی و انسجام اجتماعی و تقویت هویت ملی می‌گردد.

۴-۱. گروه‌بندی و همگرایی در منطقه خاورمیانه و موقعیت ایران

موقعیت استثنایی این محدوده باعث شده است بیشتر کشورهای منطقه به نوعی در منطقه‌بندی ژئوپلیتیکی، عضو گروه‌بندی‌های متعددی قلمداد شوند. کشورهای ساحلی شمال آفریقا: آفریقایی، مدیترانه‌ای، مسلمان و عرب به حساب می‌آیند و از طرفی همگی آنها از نظر سیاسی و اقتصادی متأثر از نزدیکی به اروپا هستند. بیشتر کشورهای خاورمیانه آسیایی هستند، اما دارای پیوندهای محکم با جهان ارو- مدیترانه یا جهان آفرو- اقیانوس هند یا هر دو هستند. همه اینها به جز قبرس، فلسطین اشغالی و لبنان، اسلامی هستند. فقط قبرس، ایران، فلسطین اشغالی و ترکیه عرب نیستند.

همه کشورهای مسلمان منطقه، عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند. همه کشورهای عرب منطقه عضو اتحادیه عرب هستند. پاکستان عضوی از تشکیلات منطقه‌ای سارک می‌باشد. بعضی از کشورهای ساحلی شمال آفریقا عضو اتحادیه کشورهای صحرای آفریقا هستند و بعضی عضوی

از سازمان وحدت آفریقا محسوب می‌شوند. سازمان همکاری اقتصادی اکو که بر بقایای پیمان سنتو تشکیل شد، علاوه بر کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه، افغانستان و شش جمهوری تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز را نیز شامل می‌شود. شورای همکاری خلیج فارس که کشورهای حاشیه جنوب و جنوب غرب خلیج فارس اعضای آن می‌باشند، گروه‌بندی دیگری از کشورهای منطقه را به نمایش می‌گذارد.

به جرأت می‌توان گفت هیچ‌یک از گروه‌بندی‌های مورد اشاره را نمی‌توان به عنوان یک اقدام موفق در مسیر همگرایی قلمداد کرد، زیرا بیشتر آنها با اینکه چند دهه سابقه فعالیت دارند، هنوز موفق به برداشتن گام‌های اولیه در جهت همگرایی نشده‌اند و می‌توان گفت بیشتر این سازمان‌ها در تحقق اهداف اولیه خود تاکنون ناکام بوده و یا توفیق نسبی پایینی داشته‌اند.

از طرفی تحولات نظام بین‌المللی پس از اضمحلال سیستم دو قطبی و تأثیر آن بر عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و امنیتی در سطح جهان تغییرات مهمی را به وجود آورده که سلسله‌مراتب جدیدی از اولویت‌ها و الزامات را فراروی کشورها قرار می‌دهد. از سوی دیگر فرآیند جهانی شدن و وابستگی متقابل بین کشورها، اقتصاد را تبدیل به یک عنصر مهم تأثیرگذار در روابط کشورها کرده و اهمیت آن روزافزون است، به نحوی که امروزه دیپلماسی اقتصادی تبدیل به مفهوم نوین و غالب در روابط بین کشورها در عرصه روابط بین‌المللی شده است و بعضی دیپلماسی اقتصادی را دیپلماسی قرن ۲۱ می‌دانند.

دیپلماسی اقتصادی در واقع به معنای فصل مشترک دیپلماسی و منافع اقتصادی در راستای منافع ملی است. مفهوم کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصاد، به کارگیری توانایی بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشورها می‌باشد. این دیپلماسی از منابع اقتصادی به عنوان پاداش یا تنبیه در تعقیب اهداف سیاست خارجی استفاده می‌کند (عزتی، ۱۳۸۷، ص ۲). موقعیت ویژه خاورمیانه که موجب شده در استراتژی‌های جهانی همیشه دارای نقش باشد، از یک طرف و امکانات بالقوه اقتصادی، سیاسی و استراتژیکی موجود، به این منطقه استعداد آن را داده است که در صورت توفیق در تشکیل همگرایی‌های منطقه‌ای و همکاری و هماهنگی این

تشکل‌ها با هم و هماهنگی با سیستم جهانی بتوانند به عنوان بازیگرانی مؤثر در عرصه جهانی خودنمایی کنند؛ حتی اگر امروز ایده‌ای آرمانی به نظر آید.

فرجام

در این بررسی، چهار مؤلفه از مؤلفه‌های مؤثر در قدرت ملی مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفت و اگرچه اندازه‌گیری مؤلفه‌های معنوی مشکل می‌باشد، اما شاخص‌های اندازه‌گیری شده می‌تواند به طور نسبی قدرت و موقعیت هر کشور در شاخص و مؤلفه مورد نظر را نشان دهد. می‌توان گفت این امتیازات و روش مقایسه نشان می‌دهد که قدرت کشور الف در مؤلفه اقتصادی که امتیاز بیشتری را به خود اختصاص داده، از کشور ب که امتیاز کمتری کسب کرده، بیشتر است و همین امر در مورد همه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها صادق است، لذا نتایج تحقیق از روایی لازم برخوردار می‌باشد. پیشنهاد می‌شود کشورها در هر شاخص به طور مجزا با هم مقایسه شوند. در این صورت ارزیابی قدرت با تقریب بالا به شرط صحت آمار کشورها قابل محاسبه است. در اندازه بضاعت این تحقیق، نتایج زیر حاصل گردیده است:

۱. در مؤلفه سرزمینی قدرت که تا حدود زیادی نشان‌دهنده امکانات بالقوه کشورها برای کسب قدرت در سایر مؤلفه‌ها می‌باشد و شاخص جغرافیایی در آن تأثیر بیشتری دارد، کشورهای ایران، عربستان، ترکیه و مصر به ترتیب بالاترین میزان قدرت بالقوه را در اختیار دارند و به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای و بعضی از آنها می‌توانند به‌عنوان قدرت درجه دوم جهانی نقش‌آفرینی کنند، اگرچه ترکیه امروز بیشتر این راه را پیموده است.
۲. در تعداد نسبتاً زیادی از کشورهای منطقه مانند کویت، بحرین، امارات، اردن که به کشورهای نفتی منطقه مشهورند، با پایان یافتن منابع انرژی، ادامه حیات سیاسی به‌عنوان یک واحد مستقل سیاسی زیر سؤال است؛ چرا که هیچ بستر مناسب زیستی که امکان ادامه حیات را بدون پشتیبانی گسترده از سایر مناطق میسر سازد، وجود ندارد و به‌خصوص وقتی درآمدی برای تأمین هزینه‌های این پشتیبانی وجود نداشته باشد.
۳. میزان جاده و خطوط ارتباطی زمینی ریلی بسیاری از کشورهای منطقه متناسب با مساحت آنها گسترش نیافته و به همین دلیل مشکلاتی متوجه حکومت‌هاست.

۴. در مؤلفه اقتصادی، کشورهای ترکیه، فلسطین اشغالی و قطر در شرایط مناسب‌تری از بقیه کشورهای منطقه به سر می‌برند.
۵. بیشتر کشورهای منطقه واردکننده بخش عمده‌ای از مواد غذایی مورد نیاز خود بوده و از این لحاظ به شدت آسیب‌پذیر هستند. در عین حال تعدادی از کشورهای منطقه مانند ایران و عراق به صورت بالقوه امکان اضافه تولید مواد غذایی در حد پاسخگویی به کل منطقه را دارند.
۶. بخش عمده‌ای از قدرت اقتصادی کشورهای منطقه متکی به درآمدهای نفتی است که با توجه به تجدیدنپذیری این منابع، تداوم این مؤلفه قدرت در این کشورها در آینده مشکل و حتی ناممکن خواهد بود. اگرچه شاخص‌های اقتصادی، در کنار شاخص‌های سرزمینی به بسیاری از کشورهای منطقه امکانات بالقوه برون‌رفت از شرایط غیرقابل قبول فعلی را می‌دهد.
۷. در مؤلفه اجتماعی قدرت، بیشتر کشورهای منطقه دارای ترکیب متنوع قومی بوده و به صورت بالقوه آسیب‌پذیر هستند. حتی کشورهایی که از لحاظ نژادی و قومی اکثریتی از ۵۰ تا ۹۰ درصد در یک گروه غالب قومی را دارا می‌باشند، به لحاظ شاخص مذهب آسیب‌پذیرند، زیرا یک قوم که یک اکثریت ۹۰ درصدی را تشکیل می‌دهد، ممکن است عملاً به دو گروه عمده مذهبی و در هر گروه مذهبی نیز به چندین فرقه تقسیم شده باشند و چون در باورهای بیشتر ملل منطقه، اعتقادات مذهبی ریشه‌دارتر از سایر عوامل همبستگی عمل می‌کند، آسیب‌پذیری در این کشورها نیز وجود دارد. در عین حال تعداد دیگر از کشورهای منطقه نیز که از اکثریت حتی مطلق مذهبی برخوردارند، از تفرقه قومی ناشی از مداخله بیگانگان رنج می‌برند.
۸. در مؤلفه فرهنگی، اگرچه منطقه خاستگاه تمدن‌های کهن و ادیان بزرگ الهی بوده، اما همه کشورهای منطقه از ضعف این مؤلفه رنج می‌برند. کشورهای ترکیه، فلسطین اشغالی و کویت در شاخص‌های کمیت‌پذیر و فرهنگی از سایر کشورهای منطقه در وضعیت بهتری قرار دارند. بیشتر کشورهای منطقه در زمینه رسانه‌های فرهنگی ضعیف هستند. با توجه به اینکه همه کشورهای منطقه که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند، به جز بخشی از فلسطین اشغالی، مسلمان هستند، به صورت بالقوه امکان ارتقاء این مؤلفه قدرت در کشورهای منطقه وجود دارد.

۹. سازماندهی فضایی خاورمیانه و شمال آفریقا اگرچه پایان پذیرفته، اما چنانچه حکومت‌ها و ملت‌های منطقه به درجه‌ای از رشد فرهنگی و دانش اجتماعی و سیاسی نائل آیند، تجدید سازمان فضایی منطقه در قالب فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌ها می‌تواند به ملت‌های منطقه امکان زیست بهتری را بدهد.

در عین حال با توجه به موقعیت خاص خاورمیانه و اهمیت آن در روابط بین‌الملل و در عرصه جهانی و نیاز جهان به منابع منطقه، کشورهای منطقه می‌توانند با درک صحیح روابط قدرت، درک صحیح توان خود و ارتقاء آن با اتخاذ گروه‌بندی‌ها و همگرایی‌های مناسب منطقه‌ای و یادگیری قواعد صحیح بازی در صحنه جهان از جایگاه شایسته قدرت و وزن ژئوپلیتیکی خود بهره‌مند شوند.

تحقق اهداف تعریف‌شده در این تحقیق به ایران وزن ژئوپلیتیکی مناسب جهت حضور در تحولات بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای و جهانی را خواهد داد، اما این اهداف ما را به قدرت اول منطقه تبدیل نخواهد کرد، مگر با اتخاذ استراتژی سیاسی اتحاد و ائتلاف که اقدامات زیر می‌تواند در این راستا مورد نظر باشد:

الف) تحقق چهار پیش‌شرط به ترتیب شامل: ۱. شناخت دقیق وضعیت موجود در سطح ملی و بین‌المللی، ۲. اجماع نظر میان نخبگان، پیرامون وضعیت مطلوب، ۳. شناخت عمیق قواعد بازی در سطح ملی و بین‌المللی و ۴. اعتقاد و التزام به عمل و نه شعار.

ب) توجه به چهار متغیر زیر به‌عنوان واقعیت‌های جهان پیرامون در بازتعریف دیپلماسی سنتی: ۱. پایان جنگ سرد و در نتیجه تغییر اولویت‌ها و الزامات، ۲. پدیده جهانی شدن، فرایندی در حال شدن و روندی در حال گذار نیست، بلکه یک نیروی تغییردهنده سیستم جهانی است که می‌تواند هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی هر کشوری را از خود متأثر کند. ۳. اهمیت روزافزون اقتصاد در سطح بین‌المللی و ۴. توجه کافی به نقش بازیگران سازمان‌های غیردولتی در فرآیندهای جهانی اعم از سیاسی و اقتصادی و غیره.

پ) توجه به زمان در دیپلماسی، تغییر در بینش و نگاه به محیط پیرامون از نگاه خصمانه و مشکوک به بینش مثبت و ائتلاف‌جو و از طرفی خارجی‌تر کردن سیاست خارجی، به این معنی

که اگرچه سیاست خارجی در اصل ادامه سیاست داخلی است، اما منظر فکری و حیطه عمل آن متفاوت است. سیاست خارجی باید با عملکردی برون‌گرایانه به الزامات، موقعیت‌ها و موضوعات خارجی توجه و منافع ایران را تأمین کند، نه یک گروه سیاسی را.

ت) در دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه فقط یک هماهنگ‌کننده است و نباید مانع حضور قوی دیگر وزارتخانه‌هایی چون اقتصاد و دارایی، نفت، صنایع، بازرگانی و کشور و دیگر نهادهای اقتصادی در عرصه بین‌المللی چه در سطح جهانی و چه منطقه‌ای شود. حضور این عناصر در عرصه منطقه‌ای و جهانی به وزارت امور خارجه این امکان را می‌دهد که در مواقع لزوم بتواند مؤثرتر عمل کند.

ث) ایران نقطه اتصال دو قاره آسیا و اروپا و در نزدیکی آفریقا قرار گرفته و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و روسیه را به شبه قاره هند، جنوب آسیا، آسیای جنوب شرقی و کشورهای عرب جنوب خلیج فارس متصل می‌کند. با ۱۵ کشور همسایه، ۱۲ درصد ذخایر نفت و ۱۷ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد. تنها کشوری است که دو مرکز انرژی قرن ۲۱ یعنی خزر و خلیج فارس را متصل می‌کند و به تنگه مهم هرمز اشراف دارد، ایران ارزان‌ترین و سریع‌ترین راه جنوب - جنوب غربی آسیا به شمال از طریق کریدور شمال جنوب است. همه این امکانات به ما امکان اثرگذاری و بازیگری در سطح جهانی را می‌دهد و باید صحنه بازی و قاعده بازی را کشف و عمل کرد.

ج) حوزه خلیج فارس به نحوی که اعضای شورای همکاری خلیج فارس و ایران و عراق و ترکیه و احیاناً مصر را در قالب یک اتحادیه منطقه‌ای منسجم نماید، می‌تواند به‌عنوان یک هدف محسوب شود. اتحادهای دوجانبه و چندجانبه و به‌خصوص توجه به شرق مدیترانه می‌تواند به‌عنوان گام‌های نخست شکل‌گیری این اتحاد منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

منابع فارسی

۱. جعفری، عباس (۱۳۸۷)، *گیتاشناسی کشورها*، تهران، مؤسسه جغرافیایی و گیتاشناسی، چاپ سوم.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، *قدرت و منافع ملی*، تهران، نشر انتخاب.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلتیک*، تهران، انتشارات پاپلی.

۴. درایسدل، آلاسداير (۱۳۷۴)، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه میرحیدر، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم.
۵. روشندل، جلیل (۱۳۸۵)، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۶. عزتی، عزت‌ا... (۱۳۸۲)، *ژئوپلیتیک و قرن بیست یکم*، تهران، انتشارات سمت.
۷. عزتی، عزت‌ا... (۱۳۸۷)، *اقتصاد سیاسی (جزوه درسی دکتری)*، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران.
۸. فغانی، حجت‌ا... (۱۳۷۸)، *بحران آب در خاورمیانه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۹. کمپ، جعفری (۱۳۸۳)، *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. کوهن، سوئل (۱۳۸۸)، *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، ترجمه عباس کردان، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر، تهران.
۱۱. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵)، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدنوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. مورگنتا، هانس جی (۱۳۸۹)، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
۱۴. ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
۱۵. نیکسون، ریچارد (۱۳۶۴)، *جنگ واقعی - صلح واقعی*، ترجمه علیرضا ظاهری، تهران، شرکت کتاب سرا.
۱۶. نیکسون، ریچارد (۱۳۸۵)، *پیروزی بدون جنگ*، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم.
۱۷. هینبوش الویش، ریموند (۱۳۸۲)، *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه علی گل‌محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع لاتین

18. Glassner, Martin & Fuhrer Chink (2004), *Political Geography U.S.A.*, John Wiley, Inc
19. Jablonsky, David (1997), *National Power Parameters*.
20. www.world fact book/cia/2010